



حجة الاسلام
والمسلمين
ظاهري خرم آبادی

نماینده امام در سپاه پاسداران انقلاب اسلام



جهاد در قرآن (۵)

انواع دفاع

۳- محمد بن علی بن الحسین ، قال من
ألفاظ رسول الله (ص) : مَنْ قَاتَلَ دُونَ مَالِهِ فَبِهِ
شَهِيدٌ . (۳)

صدوق می گوید : از کلمات و الفاظ رسول
خدا این بوده است که هر کس در دفاع از مال
خود کشته شود ، شهید است .

۴- عن رسول الله (ص) قال : يُغْفِرُ اللَّهُ
تَبَارَكًا وَتَعَالَى رَجُلًا يَدْخُلُ عَلَيْهِ فِي سَبِيهِ
فَلَا يُقَاتِلُ . (۴)

رسول خدا فرمود : خداوند دشمن میدارد
مردی را که در خانه او وارد میشوند و تجاوز
به حریم خانه او می نمایند ، و او نمی جنگد و
از خود دفاع نمیکند .

پس از اینکه انواع دفاع ها معلوم شد ، لازم
است این نکته نیز گفته شود که بعضی از انواع
دفاعها از نوع دیگر ارزنده تر و مقدس تر بوده
میشود . مثلاً : دفاع از حقوق اجتماعی برتر و
مقدس تر از دفاع از حقوق شخصی است ، زیرا
در این فرض ، شخص از حق به ملاک اینکه

و چه از استقلال و آزادی لازم ، شمرده است ، و
احادیث زیادی در مورد دفاع از مال و ناموس
از ائمه معصومین رسیده است که از جمله ، چند
حدیث ذیل است :

۱- عن ابن عباس (رض) عن عبد الله عليه السلام قال :
قال رسول الله صلى الله عليه وآله : " مَنْ سَنَّ
قِتْلَ دُونِ مَالِهِ فَبِهِ شَهِيدٌ " . از امام صادق
نقل شده است که رسول خدا فرمود : کسی که
در مقام دفاع از اهلش (خانواده اش) کشته
شود ، شهید است . (۱)

۲- عن ابن عبد الله (ع) قال : قال
امير المؤمنين (ع) : " إِذَا دَخَلَ عَلَيْكَ الْكُفْرُ
الْمُحَارَبُ فَاقْتُلْهُ ، فَمَا أَضَاهَاكَ قَدَمُهُ فِي عُنُقِي " .
از امام صادق (ع) است که امیرالمؤمنین
(ع) فرمود : هر گاه دزدی که محارب است ،
بر تو داخل شد ، بکش او را ، پس اگر چیزی از
ناحیه او به تو برسد ، یعنی ضرری منوجه تو
شود خون او در گردن من است . (۲)

دفاع انواع مختلفی دارد . گاهی دفاع از
حیات و زندگی است : یعنی انسانی از شخص
خود دفاع می کند و با ملتی و قومی در آنجا
که حیاتش از ناحیه دیگری در معرض خطر
قرار گرفت ، به دفاع بر می خیزد .

و گاهی دفاع از مال است : و آن هنگامی
است که مال انسانی و یا ثروت جامعه ای در
معرض تهاجم قرار گیرد .

و گاهی دفاع از استقلال و آزادی است :
آنجا که استعمارگران میخواهند ملتی را تحت
قیمومیت و سلطه خود در آورند ، و استقلال
و آزادی را از آنان بگیرند .

یکی دیگر از انواع دفاع ، دفاع از ناموس
است ، و همه این انواع از دید هر انسانی
مشروع بلکه ضروری است . اسلام هم دفاع را
چه از خود و چه از ناموس و چه از مال و ثروت

حق است دفاع نموده است، نه بآن ملاک که حق شخصی اوست.

و بر این اساس دفاع از حقوق انسانیت مانند دفاع از استقلال و آزادی یک ملت و یا دفاع از دین و مکتب که ضامن حیات معنوی و مادی یک جامعه است، برتر از هر نوع دفاع دیگری است.

پس اگر اسلام در جامعه‌ای مورد تهاجم واقع گردید و به خطر افتاد، بر افراد آن جامعه است که با تمام قوا از آن دفاع کنند، و این از مقدس‌ترین انواع دفاع‌ها محسوب می‌شود. چه اینکه از چیزی دفاع نمودمانند که ارزش معنوی آن بیش از هر چیز است. و اگر روزی اسلام در کل جهان به خطر افتاد، و دشمن در مقام محو اسلام از صفحه گیتی باشد، بر همه مسلمین است که از آن دفاع کنند. و این اختصاص به گروه و دسته خاصی ندارد. و این موضوع آن اندازه اهمیت دارد که با وجود حکومت‌های طاغوثی، اگر اسلام در معرض خطر از ناحیه دشمن خارجی قرار گرفت باز دفاع واجب می‌شود، اگرچه طاغوت هم در سایه این دفاع محفوظ بماند، زیرا در غیر این صورت، اساس اسلام و مسلمین محسو و نابود می‌شود.

روایاتی که در مورد مرزبانی و حفظ حدود و نفوذ وارد شده است، به این مطلب اشاره گردیده است که مرزبان حدود مسلمین که با دشمن مهاجم می‌جنگد، وظیفه‌اش دفاع است، چون دفاع از اسلام است نه سلطان.

در روایتی از امام علی بن موسی الرضا (ع) سوال می‌شود: **فَإِنْ جَاءَ الْعَدُوُّ إِلَى الْمَوْجِعِ الَّذِي هُوَ فِيهِ مُرَاطِبٌ، كَيْفَ يَجْتَنِعُ؟ قَالَ:**

"يُقَاتِلُ عَنِ بَيْتِهِ الْإِسْلَامَ لَا عَن هُوَالِهِ"
اگر دشمن به محلی که مرزبان در آن قرار گرفته، وارد گردید، چگونه باید عمل نماید؟ فرمود: **می‌جنگد و دفاع از اسلام می‌کند نه از ایمن (که اشاره به خلفا، ستمگر و طاغوت است، یعنی در حقیقت دفاع این شخص از اساس اسلام است نه از حکومت ظالمین).**

و اصولاً در صورتی که دفاع از نفس و مال



واجب باشد، دفاع از اسلام بطریق اولی واجب خواهد بود.

جهاد ابتدائی یا نوعی دیگر از دفاع

نوع دوم از جهاد، جهاد ابتدائی است، یعنی موردی که مسلمانان به نبرد با دشمن می‌پردازند و جنگ را آغاز می‌کنند. البته مشهور بین علماء و فقهای شیعه در این قسم از جهاد، آن است که باید به فرمان امام معصوم انجام گیرد، و جهاد ابتدائی را از مختصات امام دانستند، گرچه صاحب جواهر می‌گوید: اگر اجماع علماء برخلاف نباشد، می‌توانیم بگوئیم که فقیه هم طبق ولایت و نیابتی که دارد می‌تواند فرمان جهاد بدهد. در هر حال بحث فقهی این مسئله مربوط به این مقاله نیست و از این بحث می‌گذریم.

اکنون با چند سؤال روبرو می‌شویم و آن اینکه: آیا جهاد برای بدست آوردن سرزمین دیگران و توسعه مرزهاست؟

آیا هدف از جهاد تصاحب ثروت و استخدام نیروها و منافع اقتصادی است؟

آیا جنگ و قتال در اسلام بدان جهت مشروعیت پیدا می‌کند که کشور اسلامی، کشورهای دیگر را بر سرلشکر و استعمار خود درآورد، و از همه نیروهای آن به نفع خود بهره‌برداری نماید؟

آیا در اسلام جنگ بخاطر جاه طلبی و حکومت بردیگران صحیح و مشروع است؟

آیا اسلام برای مسلمین برتری نژادی مدعی است، و می‌گوید این نژاد باید بر نژاد حاکم بر دیگر نژادها باشد؟

و خلاصه آنکه آیا اهداف مادی و منافع شخصی در اسلام هدف از جهاد را تشکیل می‌دهد؟

جواب همه این پرسش‌ها منفی است. اسلام نه تنها بخاطر اینگونه امور نمی‌جنگد، بلکه آن را یک نوع تجاوز و تعدی می‌داند، و متجاوز از نظر اسلام محکوم است، تا آنجا که اگر گروهی از

مسلمین به گروه و طائفه دیگری تجاوز کنند، بر مسلمانان دیگری است که اگر نتوانستند بین آنان صلح و سازش برقرار سازند، با متجاوز و متعدی قتال نمایند تا از تعدی و تجاوز دست بردارند. **"وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمَوْتِمِينَ تَمَثَّلُوا لَمْ يُغْنِي عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا فَذُنُوبُهُمْ عَلَى الْآخِرَى فَقَاتِلُوا أَتَى تَبَغْيِي"**
"حَتَّى تَفْجُرَ لِي إِلَى بَرِّ اللَّهِ، فَأَنْ تَأْتِي"
"فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا"
"إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ"
سوره حجرات آیه ۹

اگر دو گروه از مؤمنین با هم جنگیدند، ابتدا صلح و سازش بین آنان برقرار سازید، و اگر یکی بر دیگری تجاوز نمود و زیر بار صلح نرفت، پس بجنگید با آن که متجاوز است تا برگردد به فرمان خدا، پس اگر برگشت، بین آنها اصلاح کنید با عدل، و عدالت را پیشه خود سازید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.

و بطور کلی اسلام، مسلمین را از هر نوع تعدی و تجاوز بر حذر داشته، و حتی در حال قتال و جنگ هم از تعدی به دشمن جلوگیری نموده است. **"وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ"**

سوره بقره آیه ۱۹۰ - سوره مائده آیه ۸۷
تجاوز و تعدی نکنید، همانا خداوند متجاوزین را دوست نمی‌دارد.

"وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ أَنْ صَدَّوْكُمْ"
"عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَنْ تَعْتَدُوا"
سوره مائده آیه ۲

و ادا رساندن شمار دشمن و بغض قومی، از جهت اینکه مانع شدند شمار از مسجد الحرام و انجام حج، اینکه به آنان تعدی و تجاوز ننمائید.

در اینجا تعدی به مشرکین و دشمنان اسلام را هم شدیداً ممنوع می‌سازد و از آن جلوگیری می‌کند. و آنجا که فرمان به دفاع می‌دهد می‌فرماید: با آنها که با شما می‌جنگند بجنگید و از هرگونه تعدی و تجاوز حتی به متجاوز خودداری کنید.

"وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُقَاتِلُونَ"
"وَلَا تَعْتَدُوا"
سوره بقره آیه ۱۹۰



"كَذْحًا قَمَلًا قَبِيْهًا"

سوره شقاق آیه ۶

ای انسان تو در راه رسیدن به خدا هست و لغای پروردگارت رنجها و کوششهای فراوان تحمل خواهی کرد.

"قُلْ إِنَّمَا حِمْزُكُمْ بِرَأْسِ جَدَّةٍ أَنْ تَقُوْمُوا"
"لِيْلِهِ مَشْنُوْا وَفِرَادِي"

سوره سبأ آیه ۴۶

ای پیامبر بگو: من شما را تنها یک نصیحت می‌کنم و آن اینکه برای خدا قیام کنید، دوری یابید و تنهایی.

"قَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ"
"عَمَلًا صَالِحًا، وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ"
"أَحَدًا"

سوره کهف آیه ۱۰۹

هر کس دیدار خدایش را امیدوار است، باید نیکوکار شود، و هرگز در پرستش خدا احدی را با او شریک نگرداند.

در بسیاری از موارد می‌بینیم، بخاطر اهمیت بعد معنوی انسان و جاودانگی او، و رسیدن به هدف از خلقت و آفرینش یعنی قرب به خداوند حقوق و ارزشهای مادی انسان فدای حقوق معنوی شده است، و از بارهای ازلذائد و خواسته‌ها برای نامین بعد دیگرش باید صرف نظر و چشم پوشی نماید.

و بر این اساس دفاع از حقوق معنوی انسان و ارزشهای الهی او، به مراتب عالی‌تر از دفاع از حقوق مادی و حتی آن گروه از ارزشهای معنوی است که نتیجه‌اش رفاه و بهتریستن در این جهان مادی است، یعنی دفاع از آن دسته حقوق معنوی و ارزشهای انسانی که انسان را به لقاء خداوند ناثل می‌سازد، و زندگی ابدی او را تا مین می‌کند ارزشمندتر از دفاع از حقوقی است که تا مین کننده زندگی مادی او است، اگر چه در بعد معنوی و اخلاقی باشد مانند دفاع از عدالت و آزادی ولو اینکه با نظردیگری ممکن است این موارد هم بعد الهی پیدا کنند، و آن در صورتی است که عدالت و آزادی مقدمای برای رشد جهات معنوی و بعد الهی انسانی باشد.

بقیه در صفحه ۵۱

پاسدار اسلام / ۳۱

در راه خدا، با آنان که به جنگ و دشمنی شایر خیزند جهاد کنید، لکن ستمکار نباشید.

و همچنین آیات فراوان و بی شماری که در نکوش ظالمین نازل شده است، دلیل روشنی است بر اینکه اسلام با ظلم و تجاوز و دست اندازی به جان و مال مردم، بی آنکه نفعی در آن برای خود آنان باشد، شدیداً مخالف است، بنا بر این واضح است که جنگ در اسلام آنچنان که در بین اقوام و ملت‌های گذشته و حال دنیا مطرح بوده است، برای تجاوز به آب و خاک دیگران یا استعمار و استثمار و یا سلب حریت و آزادی و نظائر این امور و اهداف مادی و قومی مطرح نیست، بلکه اسلام با کسانی که بخاطر این امور می‌جنگند دشمن است، و در شرائط مناسب جلو تجاوز آنان را می‌گیرد، و از حقوق مستضعفین و مظلومین دفاع می‌کند.

پس جهاد در اسلام به چه منظوری است؟ و چه هدفی در این نوع از جهاد وجود دارد؟

در پاسخ این سؤال باید گفت که: در آیات زیادی هدف از جهاد و قتال را با کلمه "فسی سبیل اللّه" مشخص ساخته است، و تنها جهاد در راه خدا را شروع نموده است. اکنون باید دید که راه خدا یعنی چه؟ و در چه مورد یا مواردی است؟

برای توضیح این مطلب به چند نکته زیر باید توجه داشت:

۱- همانگونه که در بیان انواع دفاع گفتیم دفاع گاهی از شخص و حقوق شخصی است، و گاهی از حقوق دیگران. و گفته شد که دفاع از حقوق دیگران مقدس‌تر از دفاع از حقوق شخصی است، زیرا که حق ملاک عمل قرار گرفته است نه شخص. ولی نوع سومی هم از دفاع وجود دارد که از این دو برتر و عالی‌تر است، و آن دفاع از حقوق انسانیت است که به شخص و یا اشخاص معینی و یا به منطقه و کشوری اختصاص ندارد. مثلاً دفاع از آزادی و حریت یک قومی که در جنگال ستم و استعمار قوم دیگر قرار گرفته‌اند، اگر چه در دورترین نقاط عالم باشند، یک نوع دفاع از حقوق انسانیت محسوب می‌شود، یعنی هر انسانی حق حیات و آزادی در حدود قانون

"يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ"

جامعه‌ای که در آن عدالت و آزادی در حدود قانون الهی وجود دارد، بهترین محیط برای نیل به رضوان الهی و تغذیه جان آدمی در جهات عبادی و اخلاقی می‌گردد.

۳- در جهان بینی الهی، اساس حقوق مادی و معنوی انسانها، تنها در سایه حکومت الله و اطاعت انسانها از فرمان خداوند تائین می‌گردد یعنی حقوق واقعی انسانها جز با اجرا دستورات و قوانین آسمانی الهی، با هیچ قانون و نظامی دیگر زنده و احیا نمی‌گردد، زیرا تنها قانونی که می‌تواند با مصالح و حقوق واقعی انسان در ابعاد مادی و معنوی منطبق باشد، قانون الهی است، چون جز او کسی بر همه جهات و نیازهای واقعی انسان در بعد فردی و اجتماعی مادی و معنوی احاطه ندارد.

پس هر نظام و قانونی که حاکم بر جامعه باشد غیر از نظام الهی، نوعی ظلم و ستم بر آن جامعه و پایمال شدن حقوق فردی و اجتماعی آنها محسوب می‌شود.

اکنون با در نظر گرفتن نکات فوق، به این نتیجه می‌رسیم که: هدف از جهاد ابتدائی در اسلام، دفاع از حقوق واقعی انسانیت است، و احیای حقوق فردی و اجتماعی مادی و معنوی جامعه بشری است.

و به تعبیر روشن‌تر: اسلام مبارزه می‌کند تا جامعه بشری را با طاعت الله در آورد و حکومت خداوند را که حکومت قانون الهی است در جامعه مستقر نماید، و در پرتو آن حقوق انسانی و واقعی انسانها را احیا سازد، و از همه مهمتر آنچه سد راه تکامل و حرکت و سیرانسان قرار گرفته است برطرف نماید، و انسان فرو رفته در لجن زار ماده و شرک و الحاد و فساد اخلاقی را رها نموده و به اوج ابدیت و معنویت به پرواز درآورد، و او را به راه واقعی خویش که به سر منزل مقصود، یعنی قرب و لقاء الهی منتهی می‌شود متوجه سازد، و صراط مستقیم و سبیل الهی را برای او هموار کند.

۱۵۴ هـ دارد



مگر نه این است که انسان همواره بدنیال راحتی و آسایش می‌گردد تا در پناه آن زندگی خوش داشته باشد؟ مگر نه این است که سدر جستجوی این گذشته، بشر آنهمه تکا بومی‌کند و روز و شب آرام نمی‌گیرد؟ مگر نه این است که هدف انسان از تجملات و فزون طلبی، رسیدن به آسایش است؟ مگر نه این است که بشر به غلط، این گذشته را در جمع ثروت و مال می‌بیند؟ پس همان بهتر که بی‌تجمل در دسر به قدر کفاف قناعت ورزد و ساده زندگی کند تا با خیال راحت به گذشته خویش دست یابد و این فلسفه را علی علیه السلام در حکمت ۳۷۱ به خوبی و روشنی بیان داشته و راه را به ما نشان داده است.

۴- چهارمین فایده ساده زیستن راه یافتن به پاکی و پاکیزگی و دوری از آلودگیها و پلیدیهاست که خدا میفرماید: و دیدیم که علی علیه السلام حموه طیبه و زندگی پاک را همان زندگی آمیخته با قناعت میداند که خدا بپادشای ایمان مؤمن و عمل صالح او بوهبت قناعت را در زندگی دنیا نصیب او میکند، کسیکه فزون طلب بوده از روز قناعت بگذرد ثروت همه دنیا او را سر نخواهد کسود، و اینجاست که در طریق بدست آوردن زندگی هر چه رنگین تر و ثروت هر چه بیشتر به نواع آلودگیها از رشوه و اختلاس و ربا و دروغ و حبه و مزبور و ستم و تجاوز و غیره دچار خواهد شد و عصمت روح خود را پاک خواهد ساخت که فزون طلبی و اشرافی زیستن از حبه شدید و سختگی بدتیا سرچشمه می‌گردد و دل بستگی شدید دنیا مایه همه گناهان و آلودگیهاست.

حَبِّ الدُّنْيَا رَأْسُ كُلِّ خَبِيْثَةٍ.

دنیا له دارد.



(۱) وَلَكِنْ اللَّهُ سِجَانَهُ جَعَلَ رَسْلَهُ أَوْلَى قُوَّةً فِي عَزَائِهِمْ وَضَعَهُ فِيمَا تَرَى الْأَعْيُنَ مِنْ حَالَتِهِمْ مَعَ قَنَاعَةٍ تَمَلُّهُ الْقُلُوبُ وَالْعْيُونَ غَنَى. (از خطبه ۱۹۵) خطبه ناصعه.

★ فلسفه ساده زیستی

در آنچه از سخنان حضرت علی (ع) یاد کردیم ظریفانه راز عظمت مطلب و فلسفه ساده زیستی و حکمتهای گوناگون آن بیان گردیده بود که در زیر برخی از آن اشاره می‌کنیم و می‌گذریم:

۱- از فوائد بزرگ ساده زیستی متکی بودن بخویش و استقلال در تمام زمینه‌هاست زیرا جامعه‌ای که به عیاشی خوگیرد و نیاز روزی و اسراف و تجمل را پیشه سازد بناچار روزی عیال و نانخوار دیگری خواهد شد، و بناگزیر دست نیاز خویش را به بیگانگان دراز خواهد کرد و حیثیت و شرافت و استقلال خویش را بخطر خواهد انداخت، و خلاصه جامعه‌ای وابسته و اسیر خواهد شد.

پیداست که جامعه وابسته به قدرتی در سیطره همان قدرت قرار خواهد گرفت و چون فرزندی که عیال و نانخور پدر است در افکار و عادات و آداب و فرهنگ و سیاست و غیره تابع و پیرو آن قدرت خواهد گشت و استقلال و اراده و آزادی از آن جامعه بگسی رخت خواهد بست، و هنگامی که استقلال جامعه‌ای از دست رفت آزادی و شرافت و اصالت آن نیز از میان خواهد رفت.

آری وابستگی و مصرفی بودن جز زبونی و اسارت و بردگی چیزی به همراه نخواهد داشت.

۲- یک جامعه با یک فرد مقتصد و قانع هیچ وقت به سختی و بینوایی دچار نمی‌گردد و فقر و فلاکت در آن جامعه ریشه کن می‌شود چنین انسان یا جامعه‌ای در دام وام نمی‌افتد زیرا نیاز است که انسان را به وام خواستن و التماس کردن و خجلت کشیدن و سر بر سر ماندن و امیدارد و چون خرسندی به زندگی ساده ریشه نیاز را بر آورد جایی برای وام و سنگ آن باقی نمی‌ماند.

۳- در پرتو ساده زیستی، گذشته واقعی که آسایش و راحتی است بدست می‌آید.